

احتمالا نام جشنواره «خاتم» را تا به حال نشنیده‌اید. این جشنواره با موضوع داستان و روایت داستانی الهام گرفته از زندگی پیامبر اسلام(ص) برگزار می‌شود و تاکنون هفت دوره را پشت سر گذاشته و برای هشتمین دوره هم فراخوان داده‌است.

به گزارش جام جم، هشتمین دوره جشنواره با موضوع داستان و روایت داستانی با الهام از زندگی پیامبر اکرم(ص) در رفتار

با موضوع داستان‌هایی الهام گرفته از زندگی پیامبر(ص)

«خاتم» فراخوان داد

به انگیزه هفتمین روز درگذشت شاعر

کارنامه شعری مفتون امینی را بررسی کرده‌ایم

بومی سُرای دل‌بسته آذربایجان

پیدا... مفتون امینی از آخرین بازماندگان نسل اول شاعران نوگرا پس از نیما. در ۹۶سالگی درگذشت. مفتون از شاعرانی بود که با شعر کلاسیک و بیشتر غزلسرایی فعالیت ادبی خود را شروع کرده‌بود و در سال ۱۳۶۰اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «دریاچه» منتشر کرد که فریدون مشیری در تدوین و انتشار این اثر نقش داشت. بیشتر اشعار این مجموعه در قالب غزل سروده شده‌است و شاعری که این روزها به شاعری نوگرا شناخته می‌شود، با قوالب قدمایی و نوقدمایی خود را به شعردوستان و اهالی ادبیات شناساند. شعر دریاچه که نام کتاب هم از آن گرفته شده، از معروف‌ترین اشعار در آن روزگار است. مفتون این چهارپاره را سال ۳۱ با محوریت قرار دادن دریاچه ارومیه سروده‌است، شعری که چنین آغاز می‌شود:

دریاچه هر زمان که تو را بینم بر عمر و آرزوی خود اندیشم گاهی برای آنچه خواهد شد گاهی به یاد آنچه شد اندیشم

دومین مجموعه شعر مفتون امینی هشت سال بعد یعنی سال ۴۴ با عنوان «کولاک» منتشر شد و او را به عنوان یکی از پیروان نیما مطرح کرد. مفتون در سال‌های ابتدایی شاعری خود ویس از کوچ کردن

از تبریز به تهران در اوایل دهه ۳۰

در محافل ادبی شاعران نوگرا رفت و آمد فراوانی داشت و

با بسیاری از آنها از جمله نیماوشیخ موانست پیدا کرده‌بود، که شرح بسیاری از این خاطرات خواندنی در کتابی با عنوان «مفتوگو با مفتون امینی» به‌کوشش مهدی مظفری ساوجی که سال گذشته توسط نشر مروارید منتشر شد، آمده‌است. کولاک در بین کتاب‌های مفتون، اثری مهم است چراکه این مجموعه پر و پیمان

و حجیم حکایت از آن دارد که شاعر کلاسیک‌سرا از سنت شعر فارسی به مدرنیته و سرایش در گونه‌های آزاد گذر کرده‌است. هرچند بخش عمده‌ای از شعرها مانند دفتر پیشین در قوالب کلاسیک سروده شده، ولی شاعر برای اولین بار در این دفتر نیمایی‌ها و حتی شعرهای منثور خود را منتشر کرد و همان‌طور که پیش از این ذکر شد، به قافله شعر نوی فارسی پیوست. یکی از شعرهای معروف کولاک منظومه بلند «ارک» است که شعری دوزبانه است. شعر که خطاب به ارگ معروف تبریز سروده شده‌است، با بندهایی به زبان فارسی شروع می‌شود و چند بند از میانه شعر به زبان آذری که زبان مادری شاعر است، سروده شده‌است. اولین بند این شعر:

افراخته قامت سراسی را

باکبر و جلال افتخار امیز

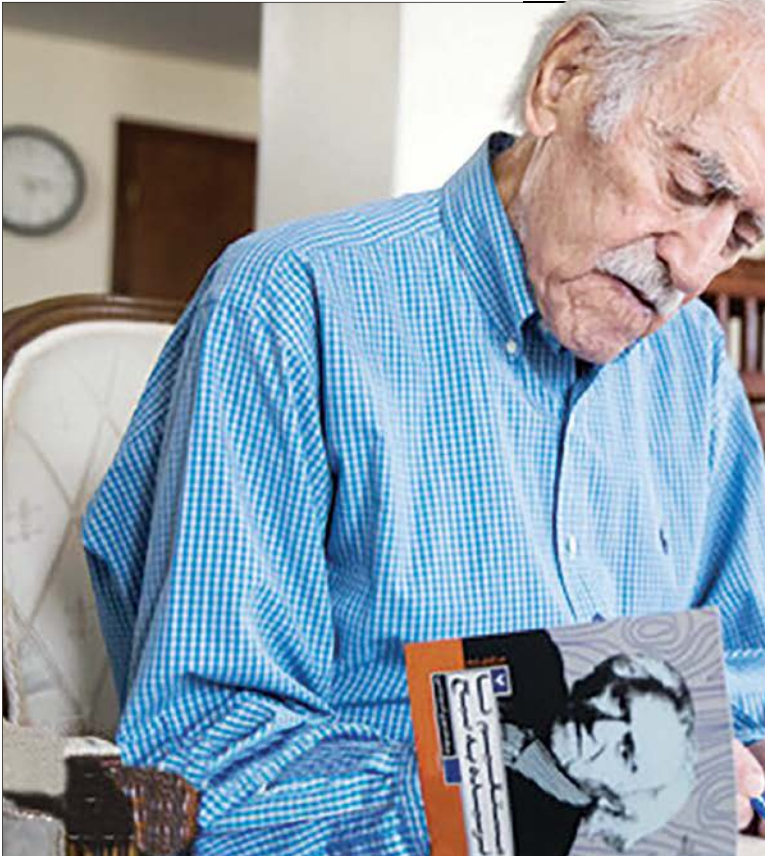
همبازی آفتاب و اخترها

همسایه ابرهای توفان خیز پاینده‌ترین قراول تاریخ برجسته‌ترین نشانه تبریز ترکیب عظیم قهرمانی‌ها

در کولاک شعرهای نیمایی زیبا با زبانی سخته و سنجیده نیز به چشم می‌خورد و این امر برای شاعری که زبان مادری اش فارسی نیست، امتیاز بزرگی محسوب می‌شود. ویژگی‌ای که مفتون تا پایان عمر در شعرهایش رعایت می‌کرد که شاید یکی از دلایلش طبع آزمایی‌های او در قوالب کلاسیک و همچنین مطالعه دقیق و پیگیر آثار قدما باشد. دفتر بعدی مفتون امینی «انارستان» نام داشت که سال ۴۷ منتشر شد و موقعیت او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین نوگرایان شعر فارسی تثبیت کرد. شعر سه‌سند یکی از معروف‌ترین سروده‌های او در این دفتر است، نیمایی نسبتا بلندی که خطاب به کوه سه‌سند سروده شده و از منظری اسطوره‌ای و تاریخی به آن نگاه می‌کند، «سه‌سند» مفتون امینی را می‌توان با دماوند ملک‌الشعرای بهار مقایسه کرد.
سوی زبان شوک‌همند و ساختار بی‌نظیر شعر بهار، تفاوتی آشکار بین این دو شعر

انسان امروز برگزار می‌شود و داستان نویسان تا پایان بهمن فرصت دارند تا آثار خود را که حجم‌شان زیر ۵۰۰۰ کلمه باشد، به این جشنواره ارسال کنند.تألیف وارسال آثار برای همه‌گروه‌های سنی و پیروان همه ادیان و مذاهب به زبان‌های مختلف آزاد است. این جشنواره قرار است سال آینده در اردیبهشت‌ماه برگزارگانش را معرفی کند. اگر داستان نویس هستید و در این موضوع اثری نوشته‌اید یا خواهید نوشت، برای اطلاع از برخی

محورهای موضوعی داستان و روایت داستانی، معرفی برخی از منابع معتبر و سایر شرایط ، به تارنمای جشنواره به نشانی www.khatamfestival.ir سر بزنید.
قرار است این جشنواره به نویسندگان سه اثر برتر در هر یک از دو حوزه «کودک و نوجوان» و «بزرگسال» به ترتیب ۱۴، ۱۰ و هفت میلیون تومان جایزه بدهد و نفرت چهارم تا ششم هم یک میلیون تومان جایزه خواهند گرفت.



وجود دارد و آن هم تاثیر آموزه‌های نیما بر شعر مفتون است، شعری با این مطلع: برجسته سپید طهارت چتر فرود زرتشت افسانه خروج نهنگ از کنار نیل آتش به جان برف به‌دوش آیینه محذب کولاک قرن‌ها موی سپید سینه تاریخ

هر سه شعری که در بالا ذکر شد، دلالت بر خاستگاه جغرافیایی شاعر دارد. دریاچه، ارک و سه‌سند هر سه از نمادهای سرزمین آذربایجان هستند و این بوم‌گرایی همان چیزی است که نیما بر آن تاکید داشت و شاگردانش هرکدام به فراخور قدرت شاعری خود توانستند از عهده آن برآیند. همان‌طور که دکتر شفיעی‌کدکنی سال‌ها پیش در شعر «نشانی» که برای مفتون امینی سروده شده، این‌گونه می‌گوید: «من از خراسان و تواز تبریز و اواز ساحل بوشهر/ با شعرهایمان شمله‌هایی خرد/ بر طاق این شب‌های وحشت برمی‌افروزیم...»

سپیدخوانی‌روز

اگر از مجموعه شعر «عاشیقلی گروان» که مجموعه شعر آذری مفتون امینی است و سال ۵۸ منتشر شده، صرف‌نظر کنیم، چرا که نویسنده این سطرها تا پاتاف و درغی تمام آذری نمی‌داند و قدر و قیمت این شعرها برایش پوشیده‌است، هرچند شنیده‌ی وی در شعر آذری، شاعری بزرگ است و برخی سروده‌هایش به شعرهای شهریار پهلوی می‌زند، مجموعه بعدی مفتون امینی با فاصله‌ای بسیار در سال ۷۰ با عنوان «فصل پنهان» منتشر شد. او در سال‌های پس از انقلاب از هنجارهای رایج در شعر کلاسیک و حتی شعر نیمایی (شعر نوی موزون) دور شد و به شعر بی‌وزن یا به عبارت دقیق‌تر سپید شاملویی تمایل پیدا کرد. بیشتر شعرهایی که در دفتر پس از انقلاب آمده از این نوع شعر است؛ شعری که به‌ظاهر از وزن عروضی بی‌بهره است، ولی از موسیقی کلام و دیگر قابلیت‌های موسیقایی زبان فارسی نظیر قافیه بهره‌های فراوانی دارد. یکی از بهترین دفترهای شعری مفتون امینی در پس از انقلاب «سپیدخوانی روز» که عنوان این میان تیت‌ر را هم از آن گرفته‌ام، نام دارد و دربردارنده نمونه‌هایی برجسته از شعرهای دوره متأخر این شاعر است که برخی ویژگی‌های آن در بالا ذکر شد و در ادامه بخشی آغازین از شعر «گویه-۱» را با هم می‌خوانیم:

چهره

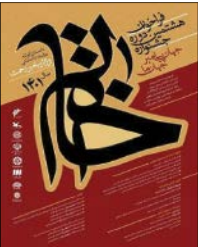
طبایی همچنان پرکار است

علیرضا طبایی؛ شاعر، ترانه‌سرا و پژوهشگر پیشکسوت در هفتادوهشتمین زادروزش سه مجموعه شعر و ترانه آماده انتشار دارد.

تاکنون از طبایی شش مجموعه شعر با نام‌های جوانه‌های پاییز، از نهایت شب، خورشیدهای آن سوی دیوار، شاید گناه از عینک من باشد، مادرم ایران و تندر اما ناگهانی‌تر منتشر شده

است. طبایی که ۱۴ آذر امسال ۷۸ ساله شد، یک مجموعه غزل با عنوان «تاک کهنسال و خوشه‌های صبح» مجموعه اشعار نیمایی به نام «گزارش به آینده» و گزیده‌ای از ترانه‌هایش با عنوان «عشق تونی می‌رد» را آماده انتشار دارد که در فرصتی مناسب منتشر خواهند شد.

این شاعر، ترانه‌سرا، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی کشورمان ۱۴ آذر ۱۳۲۳ در شیراز به دنیا آمده و از سال ۱۳۳۷ تاکنون به سرایش شعر و فعالیت‌های ادبی و فرهنگی اشتغال دارد. وی از سال ۱۳۴۸ به ترانه‌سرایی نیزروی آورد و ترانه‌های ماندگار و مشهوری چون طلمس آرزوها، کوچه میعاد، گل محبت، عشق تو نمی‌میرد، شهر فرنگه چشمتا، مرد سرگردان، یاد آن شب‌ها، تنها یا گل‌ها، دختر دریاها، آسمان آسمان، راز دل و نگاهم با نگاهت قصه‌ها داره از او اجرا شده‌اند./ ایپنا



شعر امروز

شعرهایی از مفتون امینی

گوزن

با پویه‌اش، ظرافت ناز و نوادر او با چشم‌های مشک‌گیرایش با شاخ‌های افشانش، پریبج باگردش کشیده، و گستاخ من دوست دارم او را او را، که شوخ و آزاد اما همیشه، مضطرب و چشم و گوش باز، بر تپه‌ها و دامنه پرسه می‌زند و در پسین هر عطش گرم بر آب سرد دوزترین آبشارها آغوش می‌فشارد

آنجا که ای بسا، پس هر سنگ و بوته‌ای دستی به ماشه‌ای است آزاد و بیمناک و گریزان و خودنما مجموعه وجود گوزن ترکیب بس شگرفی است نیمی از آن حماسه و نیمی از آن غنا شعر گوزن، شعر درخت اقیاقیاست در حالت گریز و سبزشیز با باد

و در همان زمان وسواس انتشارش در دل شعر گوزن شعر هراس‌ها، و هوس‌های کودکی است در مرز لاله زاری ممنوع.

سهند

برجسته سپید طهارت چتر فرود زرتشت افسانه خروج نهنگ از کنار نیل. آتش به جان برف به‌دوش آئینه محذب کولاک قرن‌ها موی سفید سینه تاریخ یک خرمن غنیمت ابریشم در شام دستبرد، به سودای شرق و غرب. یک چادر سپید اطاعت در لحظه تقاطع جوهای سرخ و گرم. یک عقده بزرگ کتان پیچ یادآور تصلب ایمان، فرار دار یک صخره درشت از آخرین فلاخن پیش از دعای نوح آنک قیام روشن اسطوره‌های دشت قطب سفید غربت مهتاب آنک

قشلاق واگذاشته سیمرخ، یک حرمت بلند، موج منبع شکمشک خون و برف و یاد حجم شرف، سهند،

آمده است:

تو کیستی که صدایت به آب می‌ماند تبسمت به گل آفتاب می‌ماند تنت به پیرهن صوتی و دامن سرخ به تنگ نیمه‌پیری از شراب می‌ماند به پشت چشم توان سایه‌های رنگارنگ به نقش قوس قزح در حباب می‌ماند تو را شبی سرراهی دولحظه دیدن و بعد به خانه یاد تو کردن به خواب می‌ماند از آن تبسم نوش ات به سینه یادی‌ماند چوبرگ گل که به لای کتاب می‌ماند کسی که شعر تو را گفت نشئه سخش به مستی می‌بی‌رنگ ناب می‌ماند...

قاب

یک قاب شاعرانه

زنده‌یاد مفتون امینی با گروه

وسیعی از شاعران امروز، دوستی

طولانی داشت و رابطه سیمیمانه

و دوستانه او با استاد شهریار

از جنس دیگری بود. هر دوری

این افراد شاعرانی بودند که در

غزل فارسی، چیره‌دست بودند

و از سوی دیگر هردو آذری زبان و

فرزندان خطه آذربایجان بودند

و این همزمانی، بر همدلی‌شان

افزوده بود. در این قاب گروهی

از شاعران از جمله مفتون را در

کنار شهریار می‌بینید. به ترتیب از

راست: مفتون امینی، ناشناس،

شهریار، هوشنگ ابتهاج و نادر

نادرپور.

ادبیات

LITERATURE

چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۳۷۵

یادداشت

خاطره تکرارشدنی شعر دانشجویی



لیلا کردیچه شاعر و پژوهشگر

روگزاری در کنار جریان‌های بالنده شعر فارسی و به‌موازات آن چه در محافل ادبی، جشنواره‌ها، مطبوعات و فضای نشر کشور پیش می‌رفت، جریان‌ی مهم و سازنده داشتیم به نام «شعر دانشجویی»، همان‌طورکه نظیر آن را در رده‌های سنی پایین‌تر از دانشجویان و در سطح مدارس، تحت عنوان شعر دانش آموزی داشتیم؛ دو جریان مهم، بالنده و آینده‌ساز که مهم‌ترین فیلترهای کشف و شناخت استعدادهای شعری و در پی آن پرورش آن استعدادها بودند؛ جریان‌هایی که امروز از آنها جز یاد و خاطره‌هایی دور چیز زیادی باقی نمانده است. اغلب بزرگان شعر امروز و به‌طور ویژه شاعران مطرح متولد دهه پنجاه به بعد یا تجربه حضور در جشنواره‌های شعر دانش آموزی یا دانشجویی یا هر دورا در سابقه ادبی خود دارند، و می‌دانیم که آن جشنواره‌ها معمولاً در پی خود کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی داشته که حضور در آنها، مهم‌ترین تجربه‌های آموزشی شاعران در عرصه شعر بوده‌است. اما امروز از آن جریان‌های بالنده که به دلیل ماهیت رقابتی خود بسیار هم پرشور بودند، چه مانده است؟ تردیدی نیست که وقفه چندساله دوران کرونا که عملاً تأثیری منفی بر فضای فرهنگی و تجمعات فرهنگی داشته است، نه‌تنها جریان شعر دانشجویی بلکه اغلب جریان‌های وابسته به شعر را مختل و راکد کرده است، اما از آنجا که اغلب محافل ادبی و جریان‌های شعری تا حدودی مستقل و نیمه مستقل بوده‌اند، در مواردی توانسته‌اند با دست و پنجه نرم کردن با برخی مشکلات، کج‌دار و مریز به حیات خود ادامه دهند، اما جریان‌های کاملاً وابسته به نهادهای دولتی و بودجه‌های دولتی بیشترین آسیب را در این دوران دیده‌اند. ازطرفی با آگاهی از این‌که مشکلات اقتصادی سال‌های اخیر تأثیری مستقیم و ناگزیر بر تخصیص بودجه به بخش‌های فرهنگی گذاشته و همین تقلیل بودجه فرهنگی در سال‌های اخیر باز تأثیر منفی خود را بر جریان‌های شعری دانشجویی برجای گذاشته است، به‌گونه‌ای که حتی پس از فروکش کردن همه‌گیری بیماری کرونا در ماه‌های اخیر، فقدان بودجه کافی هیچ چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای در پیش روی دغدغه‌مندان این عرصه نگه‌نوده است. در شعر معاصر ما، جریان‌های ادبی بسیاری بوده‌اند که تحت‌تأثیر برخی عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی، در دوره‌ای یا گرفته‌اند و به اوج نیز رسیده‌اند و متعاقباً با تغییر فضاهای فرهنگی و اجتماعی و... انگار که دوران حیات‌شان به پایان رسیده باشد، در یک سکوت خبری، بسیار نرم و آهسته از فضای ادبی رخت برسته‌اند، و وقتی خاطره آن جریان‌ها را مرور می‌کنیم به آنها به چشم یک برگ ناگزیر از تاریخ ادبیات معاصر نگاه می‌کنیم و از این‌که دوران آنها گذشته درغی نمی‌خوریم، چراکه آگاهانه تغییر فضا را دخیل در تغییر وضعیت آن جریان‌ها می‌دانیم و می‌دانیم که آنچه دوره‌اش گذشته، دیگر دوره‌اش گذشته است؛ مانند دوران طلایی شعر در مطبوعات کاغذی که دیگر توقع تکرار آن را نداریم، اما ماجرای جریان شعر دانشجویی از نوعی دیگر است. درواقع تازویی که در این سرزمین نهاد‌های آموزشی، مهم‌ترین نهاد‌های فرهنگی هستند، اصلاً توقع نابه‌جایی نیست که مترصد باشیم در هر دانشگاه و هر دانشکده‌ای یک انجمن ادبی فعال وجود داشته باشد و همان‌طور که در دهه‌های قبل، شاعران مطرح بسیاری از دانشکده‌های غیرادبیات برخاستند، امروز نیز دانشکده‌های فنی و پزشکی، داروسازی، حقوق، علوم سیاسی، هنر و... می‌توانند آن جریان بالنده شعر دانشجویی را از نو احیا کنند. شاید اغراق آمیز نباشد اگر بگوییم جامعه دانشگاهی ماهنوز به ثبات و آرامش روزهای پیش از کرونا نرسیده و البته شاید دور از انتظار نباشد اگر متوقع باشیم با رسیدن به روزهای ثبات و آرامش از هر جهت، دوباره جریان شعر دانشجویی را به عنوان جریانی بالنده، نوآور، جسور، پیشرو و بسیار قابل اعتماد در جامعه ادبی آفت‌زده و متاثر از تأثیرات منفی فضای بی در و پیکر مجازی در سال‌های اخیر داشته باشیم.

